

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۴/۲۲

اقتصاد اطلاعات و نقش آن در اقتصاد جهانی

نوشته

علی یعقوبی*

چکیده

اقتصاد اطلاعات آن بخش از اطلاعات است که به بهره‌وری و کسب سود از طریق تکنولوژی‌های نوین ارتباطی اشاره دارد. این مقاله با در نظر گرفتن کالای اطلاعات به بررسی ریشه‌ها و ویژگی‌های اقتصاد اطلاعاتی اشاره می‌کند و با مقایسه اقتصاد صنعتی و اطلاعاتی به تأثیرات الگوی جدید بر وضعیت سرمایه، کسب و کار، منابع انسانی و دولت می‌پردازد. اهمیت سهم اقتصاد اطلاعات در تولید ناخالص ملی، لزوم مداخله دولت و بخش خصوصی برای سازماندهی مجدد اقتصادی در جهت نیل به منافع بیشتر و اهداف توسعه‌ای را می‌طلبد.

کلیدواژه: اقتصاد اطلاعات، اقتصاد بی‌وزن، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، کالای اطلاعات، مکتب سامان بخشی.

مقدمه

عصر اطلاعات با دگرگونی شرایط تولید صنعتی موجب توسعه اقتصادی بر اساس میزان دستیابی به اطلاعات و پردازش آن شده است و اقتصاد اطلاعاتی دقیقاً بر همین وجه اشاره دارد. با بررسی تاریخچه اقتصاد اطلاعاتی، طبقه‌بندی اطلاعاتی اولیه و ثانویه بر مبنای تعریف مارک پورات مطرح شده و ویژگی‌های کالای اطلاعاتی ارائه شده است. این ویژگی‌ها در ارتباط با اقتصاد جهانی، فعالیت‌های بازرگانی و منافع شرکت‌های چندملیتی قرار می‌گیرد. عناصر مهم اقتصاد بی‌وزن بر پایه فناوری مالکیت معنوی و بانک‌های اطلاعاتی هستند که سریع‌ترین میزان رشد را در میان سایر بخش‌های اقتصاد مدرن به خود اختصاص داده‌اند. اقتصاد اطلاعاتی بر پایه خدمات انسانی و حرفه‌ای و حرکت از سرمایه‌داری سازمان یافته به سرمایه‌داری بدون سازمان است. همچنین در تبدیل بازار سنتی به بازار شبکه‌ای بایستی به نقش

* دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی ali.yaghoobi@gmail.com

ویژه تکنولوژی‌ها اشاره کرد، دسترسی به زیرساخت‌ها، قانون‌گذاری و ایجاد فضای کسب و کار در سپهر اقتصاد اطلاعاتی مستلزم مداخله دولت و نهادهای قانون‌گذار است تا با ساختاربندی مجدد به اهداف توسعه‌ای و منافع ملی یاری رساند.

ارزش اطلاعات و اقتصاد اطلاعاتی

اقتصاد اطلاعاتی (Economic Information) ناظر بر مفهومی جدید و مهم در جامعه اطلاعاتی است که همان ویژگی مبتنی بر اطلاعات بودن اقتصاد مدرن در جامعه اطلاعاتی است. «اطلاعات در جامعه اطلاعاتی نه تنها ارزش اقتصادی دارد، بلکه محور اقتصاد قرار گرفته است و هر که قدرت خرید آن و مهارت و آگاهی لازم برای استفاده از آن را داشته باشد می‌تواند از آن بهره‌مند شود.» (شاه‌محمدی، ۱۳۹۰)

بنابراین اطلاعات و جریان‌های اطلاعاتی به «شرط لازم اقتصاد جهانی» تبدیل می‌شود و شبکه‌های خدماتی و مالی از آن بهره‌برداری می‌کنند. «اطلاعات هم در مدیریت و کنترل امور درون‌سازمانی شرکت‌های چندملیتی و هم امور برون سازمانی آن‌ها نقشی مرکزی دارد.» (ویستر، ۱۳۸۳: ۳۴۳)

«اطلاعات به‌طور مطلق برای وقوع پیشرفت‌ها و کنترل تغییر به‌خودی خود از سطح کارخانه و محیط اداری گرفته تا فعالیت‌های جهانی، شرکتی نقشی محوری دارد. اطلاعات شاید این تغییرات را باعث نشده باشد اما امروزه بدون هیچ تردیدی در بقا و انطباق‌پذیری واحدهای اقتصادی سرمایه‌داری و فعالیت‌های آنان نقش جامع‌تری ایفا می‌کند.» (همان)

وبستر همچنین روند رایانه‌ای شدن را دارای تأثیراتی قطعی بر پدیده تراکم اطلاعات در بسیاری از مشاغل در جوامع اطلاعاتی می‌داند. بنابراین اطلاعات واجد ارزش است. روند ارزش‌گذاری اطلاعات ابتدا بر موضوعاتی مانند تحلیل هزینه و اثربخشی خدمات اطلاع‌رسانی متمرکز بوده است، در مطالعات پس از آن «ارزش اطلاعات برای کاربران و مولد بودن اطلاعات» مطرح و در گام بعدی «توجه فزاینده‌ای در قیمت‌گذاری محصولات و خدمات اطلاعاتی و بازار مبتنی بر سوددهی و خدمات» مطرح شده است. (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲)

بنابراین می‌توان ارزش اقتصادی برای «کالای اطلاعات» در نظر گرفت و اطلاعات را کالای قابل دادوستد دانست. ارزش اطلاعات به سودمندی آن‌ها بستگی دارد. «بروس کینگما» در کتاب *اقتصاد اطلاعات* (۱۳۸۰) می‌نویسد:

ارزش اطلاعات کسب‌شده به سودمندی آن‌ها در ارزیابی احتمال وقوع رخداد‌های متفاوت و هزینه‌ها یا منافع این رخداد‌های متفاوت وابسته است. برای مثال ارزش اطلاعات جوی وابسته به افزایش اعتبار، پیش‌بینی‌های هواشناسی و هزینه‌ها و منافع است که از این نظام‌های جوی متفاوت عاید می‌شود. (کینگما، ۱۳۸۰: ۳۹)

کینگما اطلاعات را کالایی عمومی می‌داند که می‌تواند به‌طور هم‌زمان توسط بیش از یک مصرف‌کننده، مصرف شود، بنابراین بسیاری از کالاها و خدمات اطلاعاتی باید به شیوه‌ای

جمعی تأمین مالی شوند. این کالاها می‌توانند از طریق دریافت مالیات، درآمد تبلیغات و مانند آن تأمین مالی شوند و برای خالقان آثار علمی برای مثال به امکانی برای دستیابی به سطح اقتصادی کارآمد تبدیل شود. (همان: ۱۰۱)

اطلاعات در یک تقسیم‌بندی دیگر کالایی "محدودیت‌دار" یا "بی‌محدودیت" (Unlimited) است. اطلاعات درباره چگونگی درمان بیماری یک کالای عمومی است. این کالا زمانی که شکل مداوای یک فرد را به‌خود می‌گیرد به کالایی محدودیت‌دار تبدیل می‌شود. اما اطلاعات بهداشتی، یک کالای عمومی بی‌محدودیت است و نحوه سودمندی مادی این دو نوع اطلاعات با هم متفاوت است.

اینترنت، کتابخانه و آموزش ابتدایی عمومی نیز کالای عمومی محدودیت‌دار هستند. اما معمولاً این خدمات از سوی استفاده‌کنندگان تأمین مالی نمی‌شوند. دولت هزینه تولید یا ارائه این گونه کالای عمومی را با دریافت مالیات تأمین می‌کند. (همان: ۹۹)

تاریخچه اقتصاد اطلاعاتی

ریشه‌های اقتصادی اطلاعات را بایستی در انقلاب اطلاعاتی جست «که با دگرگونی شرایط تولید صنعتی موجب توسعه اقتصادی بر اساس دستیابی به اطلاعات یا معرفت‌ها می‌شود و از طریق توسعه آموزش و دگرگونی تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات گسترش می‌یابد» (معمدنژاد، ۱۳۸۳: ۹۹)

تاریخچه اقتصاد اطلاعاتی مرهون پژوهش‌های گسترده فریتز مک‌لار و مارک اوری پورات در خصوص زمینه‌های اقتصادی جامعه اطلاعاتی است. معتمدنژاد می‌نویسد:

در دهه ۱۹۸۰ کارهای نظری آینده‌پویی محققانی چون "بل" و مطالعات تجربی ماکلور جای خود را با آثار عامه‌پسند آینده‌بینی که به زمینه‌های خاص سیاسی توجه داشتند، واگذار کرد. در میان این آثار موج سوم آلون تافلر آمریکایی و کتاب معروف جامعه اطلاعاتی به مثابه جامعه پسا صنعتی نوشته یونجی ماسودا ژاپنی که در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ انتشار یافتند بیش از همه قابل توجه بودند. در همان دوره کتاب‌های دیگری همچون اطلاعاتی‌سازی جامعه نوشته دو محقق فرانسوی با نام‌های سیمون نورا و آلن منک و اقتصاد اطلاعاتی نوشته مارک اوری پورات که گزارش‌های دو تحقیق مورد سفارش دولت‌های فرانسه و آمریکا بود نیز منتشر شد. (همان: ۱۰)

البته دو مورد اخیر هر دو کتاب‌هایی تأثیرگذار در حوزه اطلاعات و اقتصاد اطلاعاتی بودند، خصوصاً کتاب اقتصاد اطلاعاتی نوشته مارک اوری پورات.

گزارش پژوهش گسترده‌ای با عنوان اقتصاد اطلاعاتی که در چارچوب برنامه‌های پژوهشی وزارت بازرگانی ایالات متحده آمریکا از سوی مارک اوری پورات اقتصاددان فرانسوی تبار آمریکایی در یک مجموعه ۹ جلدی به وسیله چاپ‌خانه دولتی این کشور در واشنگتن منتشر شد نیز بر پدید آمدن "اقتصاد اطلاعاتی" و فراهم‌شدن شرایط و احوال ضروری ایجاد "جامعه اطلاعاتی" در آمریکا تأکید داشته است. پیش از آن هم فریتز ماکلور اقتصادشناس آمریکایی در کتاب جامعی راجع به "تولید و توزیع معرفت در ایالات متحده آمریکا" که در سال ۱۹۶۲ انتشار یافت، نقش مهم اقتصاد معرفتی به‌طور عام و اقتصاد اطلاعاتی به‌طور خاص در اطلاعاتی شدن جامعه آمریکا را بررسی و ارزیابی کرده بود. (همان: ۵۲)

اثر مکلاپ برای اولین بار نشان داد که یک کشور پیشرفته حتی کشوری که از نظر صنعتی قدرتمند است تا چه اندازه به نیروی کار دانشی خود وابسته است. این مطلب مورد توجه دولت ایالات متحده قرار گرفت و با مأموریت دادن به مارک اوری پورات از او تحلیل مهمی درباره اقتصاد اطلاعات منتشر کرد.

«پورات با افزودن یک طبقه جدید - بخش اطلاعات - به بخش های کشاورزی، صنعتی و خدماتی سعی کرد یک تعریف بنیادین جدید از ساختار اقتصاد ارائه دهد. او بخش جدید را به بخش اصلی (که محصول اصلی آن اطلاعات است) و بخش ثانویه (که در آن محصولات و یا خدمات اطلاعات مدار هستند) تقسیم کرد. شاید از همه عجیب تر این باشد که او باقی مانده اقتصاد - یعنی سه بخش مذکور را - نیروی کار غیراطلاعاتی توصیف کرد.» (دارنلی، ۲۰۰۱: ۲۳)

مکلاپ (۱۹۶۲) از اولین نویسندگانی بود که اصطلاح "صنعت مبتنی بر اطلاعات" را برای تشریح اقتصاد اطلاعات به کار برد؛ وی متوجه شد که از سال ۱۹۵۹ مشاغلی که منتج به ایجاد اطلاعات می شوند از لحاظ تعداد نسبت به سایر مشاغل فزونی یافته است. ادامه بررسی ها نشان داد که بخش اقتصاد اطلاعات، سهم بخش ناخالص ملی GNP را از حدود ۶ درصد در سال ۱۹۶۷ به ۵۶ درصد در سال ۱۹۹۲ و ۶۳ درصد در سال ۱۹۹۷ افزایش داده است.

طبقه بندی صنایع اطلاعات

مارک اوری پورات آمریکایی در نخستین گام از تحقیق گسترده خود به تعریف اطلاعات می پردازد: «اطلاعات شامل مقادیری از داده ها است که سازماندهی شده و انتقال یافته اند. در کنار آن تعریف فعالیت اطلاعاتی نیز مشخص شده است و این نوع فعالیت، مصرف منابع در تولید، پردازش و توزیع کالاها و خدمات معرفی شده است.» (معمد نژاد، ۱۳۸۴: ۶۹) وی صنایع زیر را در طبقه اطلاعاتی اولیه قرار می دهد:

۱. تولید دانش و اختراع (R&D و سرویس های اطلاعاتی)
۲. توزیع و انتقال اطلاعات و ارتباطات (آموزش، سرویس های اطلاعات عمومی و ارتباطات راه دور)
۳. مدیریت ریسک (بیمه و صنایع مالی)
۴. جست و جو و هماهنگی (واسطه گری و تبلیغات)
۵. پردازش اطلاعات و سرویس های انتقال اطلاعات (پردازش های اطلاعاتی مبتنی بر رایانه و زیرساخت ارتباطات راه دور)
۶. کالاهای اطلاعاتی (ماشین حساب ها، نیمه هادی ها و رایانه ها)
۷. برخی از فعالیت های دولتی (آموزش و سرویس های پستی)
۸. تسهیلات پشتیبانی (ساختمان ها و وسایل اداری)
۹. عمده فروشی و خرده فروشی در خدمات و کالاهای اطلاعاتی

وی بخش ثانویه سرویس‌های اطلاعاتی تولیدشده را برای مصرف داخلی دولت و شرکت‌های غیراطلاعاتی در طبقه اطلاعاتی ثانویه قرار می‌دهد. باقی فعالیت‌های دولت مانند برنامه‌ریزی، هماهنگی، نظارت، مقررات و فعالیت‌های مرتبط با ارزیابی و تصمیم‌گیری نیز در طبقه اطلاعاتی ثانویه قرار می‌گیرد.

با این تعریف و با در نظر گرفتن اطلاعات و دانایی (Knowledge) به‌عنوان یک کالا، می‌توان ویژگی‌هایی برای آن در نظر گرفت که عبارت‌اند از:

۱. عدم محدودیت و فناپذیری اطلاعات،
۲. استفاده و فروش هم‌زمان آن به چندین نفر،
۳. توانایی ایجاد ارزش افزوده در کالاها و خدمات،
۴. اشتغال‌زایی اطلاعات،
۵. خطرآفرین نبودن تولید اطلاعات بیش از حد اطلاعات،
۶. تأثیر زمان بر ارزش اطلاعات،
۷. انعطاف‌پذیری قیمت اطلاعات،
۸. سودآوری و درآمدزا بودن تولید و تجارت در مقایسه با سایر تجارت،
۹. اطلاعات به‌عنوان ماده اولیه در جهت کاستن هزینه‌ها و
۱۰. عدم محدودیت و دائمی بودن مالکیت اطلاعات (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۴)

بنابراین ویژگی‌ها، استخراج و ایجاد اطلاعات، کسب اطلاعات، انتقال و پردازش اطلاعات و ذخیره‌سازی و بازیافت اطلاعات فرایندهایی است که مستقیماً با اقتصاد اطلاعاتی سروکار دارد و جریان و جهت این فعالیت‌ها را مشخص می‌سازد (معمدنژاد، ۱۳۸۴: ۶۹). همچنین نقش رقابتی و تلاش در جهت دستیابی به سطوح بالاتری از دسترسی و پردازش اطلاعات که علاوه بر رقابت اقتصادی به تلاش برای ایجاد نوعی مونوپولی اطلاعاتی در این حوزه منجر می‌شود. «پویایی بسیار رقابت‌آمیزی که در فرایند مشتری‌یابی فعالیت‌های کنونی بازرگانی وجود دارد نیز ناشی از نقش حساس ارتباطات و اطلاعات الکترونی است.» شرکت‌ها و مؤسسات در تلاش‌اند که امکانات و خدمات را در این وضعیت تأمین کنند و به عبارتی «نوعی انحصارگری اطلاعات مربوط به مشتریان» را ایجاد می‌کنند. (معمدنژاد، ۱۳۸۴: ۱۲۰)

«بدون این خدمات شرکت‌های چندملیتی قادر به انجام فعالیت‌های خود نیستند، البته اطلاعات مشغله آن‌هاست و بخش کلیدی کار آن‌ها را تشکیل می‌دهد. اطلاعات درباره بازارها و مشتریان، مناطق، امور اقتصادی، مخاطره‌های سرمایه‌گذاری در عرصه‌های ناشناخته، الگوهای سرمایه‌داری، سیستم‌های مالیاتی و امثالهم.» (وبستر، ۱۳۸۳: ۳۰۶) از اهم فعالیت‌ها و نتایج آن است.

اقتصاد بی‌وزن و عناصر آن

اقتصاد بی‌وزن که اقتصاد دانایی، اقتصاد ناملموس، اقتصاد غیرمادی یا اقتصاد جدید نیز خوانده می‌شود از چهار عنصر اساسی تشکیل می‌شود:

نخستین عنصر فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی (ICT) و اینترنت است. عنصر دوم عبارت است از دارایی‌های معنوی که نه تنها حق اختراع و حق انحصاری انتشار را شامل می‌شود، بلکه به‌نحو گسترده نام‌های بازرگانی، علائم تجاری، تبلیغات تجاری، خدمات مالی و مشورتی، مبادلات مالی، خدمات درمانی (دانش پزشکی) و آموزش و پرورش را نیز در بر می‌گیرد. سومین عنصر از کتابخانه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی الکترونیکی تشکیل می‌شود که از آن جمله‌اند وسایل ارتباط جمعی جدید، سرگرمی‌های ویدئویی و فرستنده‌های رادیو تلویزیونی. عوامل تشکیل‌دهنده عنصر چهارم عبارت‌اند از تکنولوژی زیستی، کتابخانه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی سنتی و داروها. این چهار عنصر سریع‌ترین میزان رشد را در میان بخش‌های اقتصاد مدرن دارند. اعم از اینکه رشد اقتصادی را بر اساس ارزش افزوده با میزان اشتغال و افزایش مشاغل حساب کنیم. همه این عناصر حاوی عناصر ناملموس‌اند و می‌توان آن‌ها را دانایی دانست. (کوئه، ۱۳۸۳: ۱۹)

برشمردن ویژگی‌های اقتصاد اطلاعاتی منجر به شناسایی عناصر و اجزای اقتصاد اطلاعات می‌شود:

۱. اقتصاد اطلاعات اقتصادی است که بخش اطلاعاتی آن برجسته‌تر و نمایان‌تر از بخش صنعتی یا کشاورزی اقتصاد شده است.

۲. بخش اطلاعات جزئی از اقتصاد است که با ایجاد، پایش، پردازش، انتقال، توزیع، کاربرد و استفاده از اطلاعات ارتباط دارد و باعث کاهش درصد عدم اطمینان می‌شود.

۳. اطلاعات شامل نرم‌افزار، بانک اطلاعاتی، موسیقی، فیلم، محتوای مکتوب، طراحی، اطلاعات عمومی، حافظه‌های زیستی و انسانی و دیگر موجودیت‌هایی است که ممکن است مورد استفاده و پردازش قرار گیرد. همه این‌ها ممکن است کالاهای اطلاعاتی نامیده شوند اما میزان اطلاعاتی که در آن‌ها به کار رفته به گونه‌ای است که قیمت اعظم بهای این کالاها را اطلاعات تشکیل می‌دهند.

۴. اقتصاد اطلاعات همچنین شامل تجهیزات و تسهیلات فیزیکی برای تولید و پردازش اطلاعات نیز می‌شود. اگرچه این تجهیزات خارج از محدوده اقتصاد اطلاعات تولید شوند. از جمله این ابزارهای فیزیکی می‌توان به رایانه‌ها، تجهیزات ارتباطی، بازارهای بورس و نرم‌افزارهای تحلیل مالی اشاره کرد.

۵. علاوه بر این اقتصاد اطلاعات شامل افراد درگیر تولید و توزیع اطلاعات نیز می‌شود.

۶. اطلاعات موجودیتی است که نه ماده است و نه انرژی. ماده و انرژی فقط زمانی مورد نیاز است که اطلاعات نیاز به ذخیره‌سازی و انتقال دارد. با پیشرفت فناوری اطلاعات روش‌های ذخیره و انتقال اطلاعات از ماده و انرژی کمتری استفاده می‌کنند.

تفاوت اقتصاد صنعتی و اقتصاد اطلاعاتی

اما نکته کلیدی در اقتصاد اطلاعاتی را می‌توان در مقایسه‌ای که کاستلز میان اقتصاد اطلاعاتی و صنعتی انجام داده است، شناسایی کرد. کاستلز می‌نویسد:

اقتصاد اطلاعاتی یک نظام اجتماعی - اقتصادی متمایز از اقتصاد صنعتی است. اما نه به این دلیل که از لحاظ منابع رشد بهره‌وری با یکدیگر تفاوت دارند. در هر مورد، دانش و پردازش اطلاعات عناصر مهم رشد اقتصادی هستند. وجه تمایز آن‌ها، درک نهایی توان بهره‌وری نهفته در اقتصاد صنعتی بالغ به دلیل گذار به یک پارادایم تکنولوژیک مبتنی بر تکنولوژی‌های اطلاعاتی است. (کاستلز، ۱۳۸۵: ۱۲۶)

اقبال اقتصاد اطلاعاتی نسبت به اقتصاد صنعتی در درک توان بهره‌وری عظیم نهفته در الگوی جدید است. «اقتصاد مبتنی بر اطلاعات، نوعی اقتصاد خدماتی است که با اقتصاد صنعتی و کشاورزی که در زمره اقتصادهای تولیدی‌اند، تفاوت‌های کلی دارد. پدیده صنعت‌زدایی در کشورهای پیشرفته صنعتی بازتابی از ظهور اقتصادهای اطلاعاتی در این کشورهاست. امروزه برای بازارهای جهانی ادامه فعالیت بدون کمک رایانه‌ها و سیستم مخابرات امکان‌پذیر نیست.» (شاه‌محمدی، ۱۳۹۰)

بنابراین بهره‌مندی از ساختار نوین اطلاعاتی به الگوی تولید ثروت در جامعه اطلاعاتی و در کشورهای پیشرفته تبدیل شده است. اقتصاد اطلاعاتی از طریق صنعت‌زدایی و تمرکز بر خدمات مالی و مدیریتی از آسیب‌های تولید صنعتی و مسائل محیط‌زیستی و مانند آن هم برکنار می‌ماند. الگوی اقتصاد اطلاعاتی، الگوی اقتصاد بی‌وزن و اقتصاد نرم‌افزاری است. اقتصاد نوین واجد سه ویژگی است:

۱. جهانی است.
۲. معطوف به اشیا و امور غیرملموس چون ایده‌ها و اطلاعات است.
۳. اجزای آن به شدت با هم در ارتباط است. این سه ویژگی نوع جدیدی از بازار و جامعه را ایجاد و تأسیس کرده‌اند که از یک شبکه جهانی و موجود در همه‌جا نشئت می‌گیرد. (کلی، ۱۳۸۳: ۲)

اقتصاد اطلاعات بر سه بخش تمرکز دارد:

۱. بررسی نامتقارن‌های اطلاعاتی که به بررسی تصمیمات و معاملات اطلاعات بهتر و سودمندتر می‌پردازد.
۲. اقتصاد کالای اطلاعاتی: خرید و فروش کالای اطلاعات.
۳. فناوری اطلاعات. (سرپرست، ۱۳۸۵)

ترکیب و تعامل پیچیده این ویژگی‌ها، مشخصه بارز اقتصاد جهانی است. اقتصاد جهانی در ترکیب این شاخصه‌ها قلمرو جدیدی را تشکیل می‌دهد. این وضعیت ادامه حیات بخش نیروهای عظیم اقتصاد جهانی است.

اقتصاد اطلاعاتی و اقتصاد جهانی

اقتصاد اطلاعاتی از آن‌رو اطلاعاتی است که بهره‌وری و توان رقابتی واحدها یا کارگزاران این اقتصاد (شرکت‌ها، مناطق یا کشورها) اساساً به ظرفیت تولید، پردازش و کاربرد مؤثر اطلاعات مبتنی بر دانش بستگی دارد و نیز جهانی است چرا که فعالیت‌های اصلی تولید، مصرف و پخش و نیز اجزای آن (سرمایه، کار، موادخام، مدیریت، اطلاعات، تکنولوژی و بازار) در مقیاس جهانی سازماندهی شده است.

کاستلز پیوند تاریخی میان بنیان متکی به دانش - اطلاعات، گستره جهانی این اقتصاد و انقلاب تکنولوژی اطلاعاتی را سبب زایش "یک سیستم جدید اقتصادی" می‌داند. (کاستلز، ۱۳۸۵: ۱۰۲) دارنلی در کتاب *جهان شبکه‌ای* به خرید کردن از پایگاه وب یک فروشگاه زنجیره‌ای و پرداخت هزینه‌های خرید با استفاده از کارت اعتباری اشاره کرده و تحویل اجناس را به عنوان تحولی در اقتصاد اطلاعاتی می‌داند و نتیجه می‌گیرد که "وب تبدیل به یک بازار بزرگ جهانی شده است." (دارنلی، ۱۳۷۴: ۱۷۶)

اینترنت بخش مهمی از اقتصاد بی‌وزن به‌شمار می‌آید و می‌توان آن را نمود پیشرفت در فناوری اطلاعات و ارتباطات تلقی کرد، آنچنان که این اقتصاد بدون در نظر گرفتن اینترنت قابل تصور نیست و از کارکرد سستی خود پیچیده‌تر شده است، جان نیزبیت در کتاب *دنیای ۲۰۰۰* (۱۳۷۸) می‌نویسد:

تاروپود اقتصاد جهانی بسی پیچیده‌تر از آن لایه نازکی است که از گمرک‌ها می‌گذرد و در اقلام و آمار رسمی کشورها منظور می‌شود. (نیزبیت، ۱۳۷۸: ۴۹)

«برای اسکات لاش و جان اوری این شرایط معرف حرکت از سرمایه‌داری سازمان‌یافته به سرمایه‌داری بدون سازمان است. در حالی که برای فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۲) این وضع چیزی جز پایان تاریخ نیست. جشن پیروزی اقتصاد بازار بر تجربیات شکست‌خورده اقتصاد اشتراکی.» (وبستر، ۱۳۸۷: ۲۸۷)

وبستر در کتاب *نظریه‌های جامعه اطلاعاتی* در تبیین علل پیروزی اقتصاد بازار به‌طور گسترده به مفاهیم اقتصاد فوردی، پست‌فوردی، مکتب سامان‌بخشی و الگوی انباشت می‌پردازد. وی مشخصات اقتصاد صنعتی را که "اقتصاد فوردی" می‌نامد در تولید انبوه کالاها به مقدار زیاد و بهره‌گیری از الگوهای یکسان، تبدیل مصرف انبوه به یک هنجار که از طریق افزایش نسبی دستمزدها صورت می‌گیرد، کاهش هزینه تولید کالاهای مصرفی، گسترش شیوه خرید قسطی، رشد آگهی‌های بازرگانی و مدگرایی، معرفی می‌کند. وبستر گروه غالب مشاغل را در آن دوره،

کارگران صنعتی دانسته که در طولانی‌ترین تاریخ رونق سرمایه‌داری فعالیت می‌کرده‌اند. برنامه‌ریزی به این شالوده استحکام بخشیده است و «در سراسر این دوره نظام دولت-ملت محل وقوع فعالیت‌های جدید اقتصادی بود و در درون آن بخش‌های گوناگون جامعه به‌طور مشخصی از طریق تشکیل یک رشته انحصارهای چندگانه ملی تحت سلطه قرار می‌گرفتند.» (وبستر، ۱۳۸۴: ۷-۲۹۴)

اما فرایند جهانی‌سازی از عوامل مهم سرنگونی نظام فوردیسم و ورود به الگوی پست‌فوردیسم بوده است.

وبستر رکورد اقتصادی جوامع سرمایه‌داری در دهه ۱۹۷۰ و رشد بازیگران اقتصادی جدید که همان شرکت‌های چندملیتی بودند را از ارکان تجدید ساختار و مناسبات اقتصادی دوره فوردی می‌داند. (همان: ۳۴۲) بنیان‌گذاران اصلی مکتب سامان‌بخشی نظیر آلن لی پایتز (۱۹۸۷)، میشل آگلی‌تیا (۱۹۷۹) و روبرت بویِر (۱۹۹۰) «در صدد شناخت روابط میان رژیم انباشت و شیوه سامان‌بخشی مربوط به آن رژیم هستند، اما در عمل بیشتر مطالعات آن‌ها بر چگونگی انباشت متمرکز شده است.» (همان: ۲۹۰)

مطالعات مکتب سامان‌بخشی بر مطالعه سازمان اجتماعی تولید، توزیع درآمدها و تنظیم بخش‌های گوناگون اقتصاد و مصرف متمرکز می‌شود. مطالعاتی که به بررسی نحوه مدیریت ناپایداری‌ها و استمرار حیات سرمایه‌داری و از این دیدگاه به بررسی جنبه‌های پست فوردیسم می‌پردازد. این جنبه‌ها عبارت‌اند از:

۱. زیرساخت اطلاعاتی برای ایجاد امکان هماهنگی بین استراتژی‌های تولید و بازاریابی جهانی که به ظهور یک بخش جدید بین‌المللی در کسب و کار منتهی شده است.

«شرکت‌ها به مقدار زیادی به یک شبکه اطلاعاتی کارآمد نیازمندند تا تحقق استراتژی‌های جهانی خود را امکان‌پذیر سازند. تجدید ساختار بدون توسعه تکنولوژی‌های اطلاعاتی و به‌ویژه ارتباطات راه دور غیرقابل تصور خواهد بود.» (همان: ۳۱۴)

۲. انعطاف‌پذیری در همه ارکان و اجزای کسب و کار، از تولید تا توزیع و مصرف، زمان کار، مهارت‌ها، کارگران اطلاعاتی و مانند آن که عضو کلیدی فهم اقتصاد اطلاعاتی هستند.

«رایینز به نقل از بنیامین کوریات، نظام انباشت فوردیسم را حول تولید انبوه، دگرگونی در پیوندهای طبقاتی و ایجاد شکل جدیدی از نظم اجتماعی دانسته که «دم و دستگاه دولتی کینزی آن را هماهنگ می‌کرد.» (رایینز، ۱۳۸۵: ۲۴۳)

اما نظم نوظهور نوفوردیسم را می‌توان «در چارچوب پیوندهای نوین تولید، مصرف، صف‌آرایی طبقاتی و مهارت اجتماعی بررسی کرد. صفت بارز نوفوردیسم انعطاف‌پذیری آن (عدم تمرکز، پراکندگی، خردشدگی) است که در شکل‌های دگرگون‌شده تولید و الگوهای مصرف تجلی می‌یابد.» (همان)

نابودی تولید انبوه و پدیداری واحدهای کوچک و پراکنده در سطح جهان و جایگزین شدن تولید انبوه با تخصصی سازی انعطاف پذیر بر مبنای اطلاعات و ویژگی بارز اقتصاد اطلاعاتی جهانی است. (وبستر، ۱۳۸۳: ۳۴۱)

انعطاف پذیری در بسیاری از بخش های اقتصاد اطلاعاتی وارد می شود. انعطاف پذیری برای سازمان های کوچک به معنای فرصت هایی است که به بازارهای قبلاً انحصاری وارد شوند و با شرکت های بزرگ تر روبه رو شوند و نیازهای فوری مصرف کنندگان را برآورند.

وبستر انعطاف پذیری را در حوزه تولید، دستمزدها (روند حرکت به سمت پرداخت دستمزد به افراد برای کاری که انجام می دهند و نه بر اساس نرخ ثابت توافقی)، در کار (آمادگی برای تغییر شغل و قراردادهای کوتاه مدت) و زمان انجام کار (به شکل زمان منعطف، استخدام پاره وقت، کار شیفتی و مانند آن) (همان: ۳۱۸) و در مصرف به سبب امکانی که تکنولوژی ها به کارخانه ها برای تولید انعطاف پذیر ایجاد کرده اند، برمی شمارد.

«این درونداد اطلاعاتی است که میزان انعطاف پذیری را تعیین می کند و باعث مقرون به صرفه بودن هر سیکل کاری در یک مجموعه کوچک، سفارشی شدن تولیدات و تغییرات پرشتاب روندهای تولیدی می شود. در انجام این فرایند دست اندرکاران حتماً باید دارای خصیصه چندمهارتی سازش پذیر و انعطاف پذیر تر باشند.» (همان: ۳۴) این وضعیت در شرکت های چندملیتی هم مشاهده می شود.

انعطاف پذیری و تکنولوژی های اطلاعاتی در تحول کار و پیشه نقشی تأثیرگذار بر عهده دارند، بخش های برشمرده را بایستی توأم با اندیشه های دانیل بل در خصوص تحولات کار و کسب در جامعه اطلاعاتی مطالعه کرد. بل می نویسد:

در جامعه پسا صنعتی انواع جدید خدمات گسترش می یابد که اقتصاد پسا صنعتی را شکل می دهد و دگرگون می سازد. من این خدمات جدید را خدمات انسانی و خدمات حرفه ای می نامم. (بل، ۱۳۸۲: ۴۲)

وی خدمات انسانی را با آموزش، بهداشت، مددکاری و خدمات اجتماعی و خدمات حرفه ای را با کار با رایانه، برنامه نویسی، تحلیل، طراحی و مشاوره مطرح می کند. دارنلی و فدر هم تحول در جهان کار و پیشه را برای هردو طیف فراهم آورندگان و مصرف کنندگان برمی شمارند و خدمات حرفه ای را در حال دگرگون کردن محیط شبکه می دانند. (دارنلی، ۱۳۷۴: ۱۷۷) و در این روند «بازآموزی منظم کارکنان نسبت به کارایی های درونی این تکنولوژی» صورت می گیرد و «کارگران تولیدی به کارکنان اطلاعاتی تبدیل می شوند.» (وبستر، ۱۳۸۳: ۳۳۵) این تغییر حتی در جمعیت بیکاران مشاهده می شود و طیف بیکاران را از افراد غیرماهر و غیرمتخصص برمیگزیند. نیزبیت می نویسد:

در جامعه اطلاعاتی روزگار ما اینک افراد غیرماهر و فاقد تخصص هستند که در صف بیکاران انتظار می کشند. نرخ بیکاری در مورد فارغ التحصیلان دانشگاه ها فقط ۱/۷ درصد و برای افرادی با یک تا سه سال تحصیل دانشگاهی ۳/۷ درصد است. (نیزبیت، ۱۳۷۸: ۶۸) در

طول دهه ۱۹۹۰، کارکنان تعلیم‌یافته و ماهر بالاترین سطح دستمزدها را به خود اختصاص داده‌اند. (همان: ۵۶)

بنابراین ساختارهای شغلی در جامعه‌هایی که در یک سطح اطلاعاتی قرار دارند نیز با یکدیگر تفاوت زیادی دارد و اطلاعات از عناصر اصلی در کارکرد اقتصاد و سازماندهی جامعه است. (سعیدی، ۱۳۸۶: ۴۵)

«تکنولوژی‌های پسا صنعتی بازتعریف بنیادین معنا و شیوه انجام کار را ایجاب کرده‌اند.» (بل، ۱۳۸۲: ۶۰) و «درهای جامعه اطلاعاتی به روی همه افراد تحصیل کرده و تعلیم‌دیده اعم از زن و مرد باز است. این نظام اقتصادی همچنین پذیرای مهاجران بلندپرواز و هوشمند و دیگر داوطلبان هم هست.» (نیزیت، ۱۳۷۸: ۶۹)

«سیل در طرح رویکرد خود به مقوله کار می‌گوید، «تخصصی‌سازی انعطاف‌پذیر» (Flexible Specialization) تمایزی بنیادی با کار تکراری و کم‌مهارت دوران خود دارد و شکلی از کار را نشان می‌دهد که مهارت کارمندان در آن افزوده شده و تنوع بیشتری در تولید کالاها به وجود خواهد آمد.» (وبستر، ۱۳۸۳: ۳۳۱)

اقتصاد اطلاعاتی با این حجم تحولات که در صور مختلف اجتماعی به وجود می‌آورد، متکی به زیرساخت اطلاعاتی است تا به وسیله آن از عهده کنش‌های عملیات جهانی برآید. بنابراین در ادامه بایستی به نقش بنیادین این تکنولوژی پردازیم، کاستلز با تکیه بر آرای مورخان اقتصادی، نقش تکنولوژی را به جهت افزایش بهره‌وری در رشد اقتصاد، نقشی بنیادین می‌داند و می‌نویسد:

به نظر می‌رسد که فرضیه نقش بنیادین تکنولوژی به عنوان بهره‌وری در اقتصادهای پیشرفته بتواند بخش اعظم تجربه گذشته رشد اقتصادی را که بر سنت‌های فکری در نظریه اقتصادی تأثیر می‌گذارد، دربر گیرد. (کاستلز، ۱۳۸۵: ۱۰۵)

«جنبه دیگری که اطلاعات بر اساس آن نقشی تعیین‌کننده‌تر دارد از وابستگی فزاینده جامعه به تکنولوژی‌های برنامه‌پذیر ریشه می‌گیرد.» (وبستر، ۱۳۸۳: ۳۳۴)

وبستر تکنولوژی‌های اطلاعاتی را عنصر به وجودآورنده اوضاع دگرگون‌شونده کنونی می‌داند و معتقد است بسیاری از مشاغلی که در آینده به وجود خواهند آمد بدون فرض همبستگی آن‌ها با تجهیزات رایانه‌ای غیرقابل تصور است. (همان: ۲۸۷)

تکنولوژی‌های اطلاعاتی باعث افزایش کمی و پیچیدگی‌های فنی و کیفی اطلاعات می‌شوند. دارنلی هم زیرساخت‌های مخابراتی را بخش ضروری اقتصاد نوین می‌داند. (دارنلی، ۱۳۸۴: ۱۷۴)

دانیل بل در بررسی سیر تحول تکنولوژی‌ها، نردبان تکنولوژی را چنین برمی‌شمارد:

۱. متکی به منابع: صنایع کشاورزی و استخراجی

۲. تولید سبک: منسوجات، کفش و غیره

۳. صنایع سنگین: فولاد، کشتی‌سازی، خودروسازی، مهندسی

۴. تکنولوژی‌های پیشرفته: ابزارها، اپتیک، میکروالکترونیک، کامپیوتر، مخابرات و غیره.
۵. متکی به علوم آینده: بیوتکنولوژی، علم مواد، فضا و ماهواره. (بل، ۱۳۸۲: ۶۷)

وی تکنولوژی‌ها را به سه گروه تکنولوژی‌های تحول‌زا، تکنولوژی‌های گسترش‌یافته و تکنولوژی‌های انحصاری طبقه‌بندی می‌کند و می‌نویسد:

تکنولوژی‌های تحول‌زا گونه‌ای تکنولوژی است که تأثیر انقلابی یا متحول‌کننده بر جامعه می‌گذارد. تکنولوژی گسترش‌یافته دامنه‌ای جدید و کاربردهایی تازه برای تکنولوژی فراهم می‌کند، تکنولوژی‌های انحصاری کاربردهای خاصی هستند که برای کارهای خاصی ایجاد شده‌اند. (همان: ۸۴)

وی نقش تکنولوژی‌ها در اقتصاد اطلاعات را این چنین توصیف می‌کند:

تکنولوژی باعث گذار از بازار به مثابه یک محل به بازار به مثابه یک شبکه شده است. البته این تغییر برای راهبردهای جمعی بازاریابی حیاتی است. چرا که بازاریابی اساساً عمل عرضه محصولات یا خدمات به نقطه‌ای است که مشتریان بتوانند آن‌ها را بخرند. (همان: ۶۲)

«سرعت تغییرات ارتباطات الکترونیکی، اقتصاد، سیاست و جوامع جهانی را متحول خواهد کرد. اما آن‌ها اول از همه شرکت‌ها را تغییر خواهند داد. آن‌ها راه بازاریابی مشتری، تأثیر تبلیغات، خرید، توزیع و غیره را برای شرکت‌ها دگرگون می‌سازند.» (کارنکراس، ۱۳۸۴: ۲۶۷)

رایینز هم استفاده ماهرانه از ارتباطات را یک مزیت رقابتی مهم برای امور تجاری دانسته و تکنولوژی را حاوی فرصت‌هایی برای ایجاد ارتباطات جدید با مشتری‌ها می‌داند (رایینز، ۱۳۸۵: ۱۶۸). بل همچنین تکنولوژی‌های جدید ارتباطی را در دگرگون ساختن شأن اجتماعی علم مؤثر می‌داند و تغییر سرشت علم را مستج از آن می‌داند. (بل، ۱۳۸۲: ۵۵)

اما تکنولوژی‌ها در جهانی‌سازی تولید هم مؤثرند، به عبارت دیگر نقش تکنولوژی‌ها در کاستن از فاصله‌ها و جهانی‌شدن اقتصاد بوده است. حضور شرکت‌ها در بازارهای جهانی نیازمند امور اقتصادی آن‌ها در سطح بین‌المللی است. «جهانی‌سازی تولید باعث رشد چیزی که دیکن (۱۹۹۲) آن را «فعالیت‌های چرخشی» (circulation activities) می‌نامد، می‌شود که بخش‌های گوناگون سیستم تولید را در یک مدار به یکدیگر پیوند می‌دهد. یعنی اینکه شرط ضروری جهانی‌سازی تولید، جهانی‌سازی خدمات اطلاعاتی مانند آگهی‌های بازرگانی، بانکداری، بیمه و خدمات مشاوره‌ای است که پدیدآمدن زیرساخت جهانی را میسر می‌کند.» (وبستر، ۱۳۸۳: ۳۰۳)

یعنی جامعه اطلاعاتی ساختن محیطی نمادین است که به تمامی نقاط جهان کشیده می‌شود و به عقیده وبستر سازماندهی این محیط «به مقدار زیادی توسط شرکت‌های رسانه‌ای چندملیتی» صورت می‌گیرد. جهانی‌سازی ارتباطات نقش مهمی در کارگزاری سیستم اقتصادی جهانی بازی می‌کند.

«گسترش شگفت‌آور دادوستدهای مالی در بزرگراه‌های بین‌المللی اطلاعات میسر شده است. کسب و کار، تعیین نرخ ارز و تعیین الگوهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بازارهای بورس، سهام و اوراق بهادار که به سرعت گسترش یافته‌اند، بر اهمیت بازارهای جهانی جریان‌های اطلاعات مالی تأکید می‌کنند.» (همان: ۳۰۷)

علاوه بر نکات برشمرده، کاستلز اقتصاد اطلاعاتی را مبتنی بر تجدید ساختار اجتماعی-اقتصادی و انقلاب تکنولوژیک اما بر اساس روندهای سیاسی که دولت به کار می‌بندد، دانسته و روندهای سیاسی را عاملی تأثیرگذار می‌بیند.

نیزبیت، حرکت بیشترین بخش‌های دنیا در دهه ۱۹۹۰ را از تأمین امنیت ملی به سمت تأمین امنیت اقتصادی می‌داند. «در طی دهه ۱۹۹۰ بازی بر محور جهانی‌شدن است و قدرت اقتصادی در ایجاد و تضمین نفوذ و اهمیت کشورها، اهمیتی برتر از قدرت نظامی یافته است. (نیزبیت، ۱۳۷۸: ۵۴)

بنابراین واقعیت مهم و استراتژیک فعلی، هماهنگی با شرایط بین‌المللی توسط دولت‌ها در جهت حفظ ماهیت خود در مقابله با واقعیات جدید بین‌المللی است. وبستر با پیش‌شرط سازمان اقتصادی فوردیسم، مفهوم دولت-ملت را در سراسر جهان به واسطه گسترش جهانی شرکت‌های چندملیتی در حال نابودی می‌داند. (وبستر، ۱۳۸۳: ۸۰۳)

صاحب‌نظران به نقش دولت در ویژگی اقتصادی جامعه اطلاعاتی بیش از دیگر ویژگی‌ها پرداخته‌اند. بل می‌نویسد:

در جامعه‌ای که به‌نحوی فزاینده جهانی می‌شود، دو راهه در سیاست، انتخابی است میان اقتصاد بی‌مرز مبتنی بر بازار و دستور کارهای سیاسی ملی که ویژگی‌های آن را شکل می‌دهد. نتیجه آن اغلب تعارض میان تقاضاهای سرمایه و مردم است. (بل، ۱۳۸۲: ۵۰)

کاستلز می‌نویسد:

عنصر حیاتی دیگر در اقتصاد قدیم و جدید وجود دارد به نام دولت. با ادغام کشورها در یک اقتصاد جهانی منافع سیاسی خاص دولت در هر کشور، مستقیماً با سرنوشت رقابت اقتصادی شرکت‌های ملی یا شرکت‌هایی که در قلمرو آن کشور قرار دارند، پیوند می‌خورند. (کاستلز، ۱۳۸۵: ۱۲۳)

وی ویژگی سیستماتیک اقتصاد اطلاعاتی-جهانی را «منطقه‌ای شدن درونی» دانسته و معتقد است که «دولت‌ها تجلی جوامع هستند نه اقتصادها» و «آنچه در اقتصاد اطلاعاتی به مسئله‌ای حیاتی تبدیل می‌شود، تعامل پیچیده‌ای است بین نهادهای سیاسی دارای ریشه تاریخی و کارگزاران اقتصادی که به‌طور فزاینده جهانی می‌شوند.» (همان: ۱۳۶)

شیلر نیز در کتاب *اطلاعات و اقتصاد بحران* (۱۳۷۵) به نقش دولت آمریکا اشاره کرده و می‌نویسد: بدون مداخله وسیع و همچنین بدون کمک پیوسته دولت درک تحولات و نوآوری‌های الکترونیک و همچنین درک اقتصاد اطلاعات‌مدار آمریکا، غیرممکن بود.» (شیلر، ۱۳۷۵: ۱۰۳)

وبستر دخالت دولت در امور اقتصادی را در رژیم انباشت فوردی- کینزی در جهت ایجاد حالت توازن کامل میان تولید و مصرف انبوه و اقدامات رفاهی دولت که به پایایی ثبات اجتماعی منجر می شود را مهم ارزیابی می کند. (وبستر، ۱۳۸۳: ۲۹۱)

کینگما ناتوانی در دستیابی به سطح برون داد به لحاظ اجتماعی و عدم اطمینان بین خریداران و فروشندگان را که به مقوله کیفیت و ارزش محصول اطلاعاتی ناظر است با دخالت دولت از طریق وضع مقررات و تضمین کیفیت و سلامت محصول قابل اصلاح و ترمیم می داند. (کینگما، ۱۳۸۰: ۱۳۹)

نیزیت در رقابت اقتصاد جهانی "کیفیت و قابلیت نوآوری منابع انسانی" را مهم ترین عامل و ضابطه تفاوت ها و اختلاف سطح ها میان کشورها و شرکت ها می داند. (نیزیت، ۱۳۷۸: ۵۴) و می نویسد:

بزرگ ترین قلم واردات ایالات متحده آمریکا پول است و بزرگ ترین اقلام صادراتی آمریکا نیز عبارت است از: اوراق بهادار، سهام و دیگر ابزارهای مالی. (همان، ۴۸)

در نتیجه با دو نوع نظام جغرافیایی در جامعه اطلاعاتی مواجه ایم:

نظم جغرافیایی سیاسی که همچنان بر مفهوم دولت ملی استوار است و نظم جغرافیای اقتصادی که محرک آن نوآوری تکنولوژیک است و ارتباطات و بازار آن را به مکان های جابجاشونده جهان پیوند می دهد. (بل، ۱۳۸۲: ۵۰)

اقتصاد اطلاعات آنچنان که مطرح شد، مقوله ای گسترده در جامعه اطلاعاتی است، تولید و فروش تجاری اطلاعات به عامل مسلط این اقتصاد مبدل می شود، شیلر می نویسد:

اگر نوعی همگرایی بین تولید فرهنگی و صنعتی در کلیت خود به چشم می خورد، پس شرایطی که سپهر فرهنگی- اطلاعاتی را به سوی زیرساختی نهادینه شده سوق می دهد، نه تنها سست نمی شود، بلکه مستحکم تر هم خواهد شد. (شیلر، ۱۳۷۵: ۱۱۰)

مقصود وی از استحکام این ساختار، تقویت رویه های سرمایه داری است. استحکام ساختار سرمایه داری علاوه بر جنبه های مثبت که در تولید و انباشت ثروت و رفاه جلوه گر می شود، ناظر بر رویه های منفی است که کشورها و جوامعی را که از لحاظ اقتصادی فقیرند با چالش ها و عقب ماندگی های افزایش یابنده ای مواجه می کند. نکته دیگری که حائز اهمیت است "اقتصاد معرفتی" یا اقتصاد مبتنی بر دانش است. اهمیت اقتصاد معرفتی را بایستی در اهمیت دانش و نیاز جوامع نوین به دانش برشمرد که از یک سو به ترمیم شکاف اطلاعاتی و از سوی دیگر به تشکیل زمینه ای با عنوان "جامعه دانایی محور یا دانش محور" منجر می شود. معتمدنژاد "اقتصاد معرفتی" به طور عام و "اقتصاد اطلاعاتی" به طور خاص را هسته اصلی و بستر ضروری پیدایش چنین جامعه ای برمی شمارد. (معتمدنژاد، ۱۳۸۴: ۶۱)

وبستر می نویسد:

همچنان که ما از یک اقتصاد کالایی به اقتصاد اطلاعاتی تغییر وضعیت داده ایم، دانش اساس اقتصاد نوین را تشکیل داده است. امروزه چیزی پیش پا افتاده خواهد بود که بگوییم ما با

جامعه‌ای سروکار داریم که مشخصه بارز آن این است که دانش و سازمان آفرینندگان اصلی ثروت هستند. (وبستر، ۱۳۸۳: ۳۰)

وی گذار از جامعه صنعتی به پسا صنعتی را گذار از دنیای مدرن به دنیای پست مدرن می‌داند. اما این گذار می‌تواند منبع تفریح و تفنن برای گروهی و منبع سود برای گروهی دیگر باشد، «به عبارت دیگر همگان آماده نیستند که هر بهایی را برای یک واقعیت اطلاعاتی بپردازند. کارشناسان اطلاعات همه به این نکته عقیده دارند که مصرف‌کنندگان مختلف بر یک پدیده اطلاعاتی ارزش‌های بسیار متفاوتی می‌دهند.» (محسنی، ۱۳۸۰: ۱۶۴)

کاستلز گستره اقتصاد اطلاعات را در بنگاه شبکه‌ای فرهنگ پی می‌گیرد و می‌نویسد: «این بنگاه نشانه‌ها را از طریق پردازش دانش به کالا تبدیل می‌کند.» (کاستلز، ۱۳۸۵: ۲۱۶)

پردازش دانش به کالا از طریق بنگاه‌های شبکه‌ای از یک سو و «دگرگونی ساختارهای جامعه‌ای در ارتباط با رشد» که مفهومی توسعه‌ای است و با شاخص «تولید ناخالص ملی» سنجیده می‌شود، (نیک‌گوهر، ۱۳۶۹: ۲۴۹) به بازتولید مدلی تعاملی و پیچیده برای جامعه اطلاعاتی می‌انجامد که از رهگذر اقتصاد اطلاعاتی به توسعه و افزایش سطح تولید ملی می‌اندیشد. سازمان ملل برای گسترش این مفهوم کوشش کرده است:

اقتصاد مبتنی بر دانش را می‌توان به عنوان زیرمجموعه جامعه دانایی تعریف کرد که به صورت محدود و اختصاصی و البته در قالبی مشروع و قانونی برای افزایش ارزش در کل زنجیره اقتصادی از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و دانش تولیدشده به صورت انبوه استفاده می‌کند. (سازمان ملل، ۱۳۸۶: ۲۳۳)

سازمان ملل اهداف توسعه‌ای، تضمین کیفیت و امنیت بالای زندگی مردمان را از وظایف دولت می‌داند و این امکان را «دولت مساعد» می‌نامد:

زندگی در دولت مساعد که بستر جامعه دانایی هوشمند است و از جمله مشخصات آن اقتصاد پویای مبتنی بر دانش است و اهداف توسعه‌ای جامعه (یعنی کیفیت و امنیت بالای زندگی) را تأمین می‌کند، در زمره منافع همگان قرار دارد. اقتصاد مبتنی بر دانش را می‌توان تعریف، طراحی و بنا کرد. جامعه دانایی را باید زیست. (همان: ۲۳۳)

نتیجه گیری

اطلاعات به عنصر مهمی در داد و ستد و اقتصاد جهانی تبدیل شده است. با مقایسه الگوی اقتصاد صنعتی و اقتصاد اطلاعاتی تکرر و دگرگونی ویژگی‌های تولید، مصرف و پخش و نیز سرمایه و کار، مواد خام، مدیریت، تکنولوژی و بازار نمایان می‌شود.

اقتصاد اطلاعات بر نقش ویژه فناوری و انعطاف‌پذیری در همه حوزه‌ها اشاره دارد و نمایان‌گر وضعیت جدیدی از حصول منافع و توسعه اقتصادی در جوامع پیشرفته است. تأثیر تکنولوژی در تبدیل بازارهای سنتی به بازارهای شبکه‌ای و ادغام این شبکه‌ها در اقتصاد جهانی را می‌توان در

اینترنت به وضوح بررسی کرد. هدف از ساختار بندی مجدد مفاهیم در اقتصاد جهانی دستیابی به اهداف توسعه ای و افزایش سهم کشورها در تولید ناخالص ملی است. مؤسسه اکونومیست اینتلیجنس سرویس در گزارشی با عنوان "رتبه بندی اقتصاد دیجیتال در سال ۲۰۱۰" ایران را با کسب ۳/۲۴ از ۱۰ امتیاز در رتبه ۶۸ کشورهای جهان قرار داده است. این رتبه بندی که بر اساس وضعیت ارتباطات، محیط بازرگانی، اجتماعی، فرهنگی، فضای حقوقی، سیاست گذاری و دیدگاه های دولتی و وضعیت مصرف کنندگان و اعتبار تجاری به دست آمده است، توجه جدی دولت و بخش خصوصی در همه حوزه های مرتبط و بازسازی ساختارهای قبلی در نیل به جامعه دانایی محور و اهداف توسعه ای را یادآور می شود. علاوه بر این با توجه به نقش و بازده اقتصاد اطلاعاتی می توان از این رویکرد در جهت نیل به اقتصاد غیر نفتی هم بهره برد.

منابع

- ابراهیمی، رحمان (۱۳۸۷)، "اقتصاد اطلاعاتی و بازیابی خدمات اطلاعاتی"، مجله ارتباط علمی، دوره دهم، شماره دوم، بل، دانیل (۱۳۸۷)، آینده تکنولوژی، ترجمه احد علیقلیان، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- دارنلی، جیمز، جان فدر (۱۳۸۴)، جهان شبکه ای: درآمدی بر نظریه و عمل در باب جامعه اطلاعاتی، ترجمه نسرين امین دهقان، تهران، انتشارات چاپار.
- رابینز، کوین، فرانک ویستر (۱۳۸۵)، عصر فرهنگ فناوریانه: از جامعه اطلاعاتی تا زندگی مجازی، ترجمه اکبر استرکی و مهدی داودی، تهران، نشر توسعه.
- سرپرست، اکبر (۱۳۸۵)، "اقتصاد اطلاعات در کشورهای در حال توسعه"، مجله الکترونیکی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- سعیدی، رحمان (۱۳۸۶)، جامعه اطلاعاتی شکاف دیجیتالی، چالش ها و فرصت ها در کشورهای جهان سوم، تهران، انتشارات خجسته.
- شاه محمدی، عبدالرضا (۱۳۸۵)، ارتباطات بین الملل، تهران، انتشارات زریاف.
- شیلر، هربرت (۱۳۷۵)، اطلاعات و اقتصاد بحران، ترجمه یونس شکرخواه، تهران، آفتاب.
- کارنکراس، فرانسیس (۱۳۸۴)، زوال فاصله ها؛ چگونه انقلاب اطلاعات زندگی ما را تغییر خواهد داد؟، ترجمه نصرالله جهانگرد و همکاران، تهران، دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات؛ ظهور جامعه شبکه ای، جلد اول، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، چاپ پنجم، تهران، انتشارات طرح نو.
- کوئه، دانی تی (۱۳۸۳)، "اقتصاد بی وزن"، ماهنامه پیام یونسکو، شماره ۳۴۳.
- کینگما، آر. بروس (۱۳۸۰)، اقتصاد اطلاعات- راهنمای تحلیل اقتصادی و هزینه سودمندی برای کارشناسان اطلاعات، ترجمه محمدحسین دیانی و کبری سقا پیرمرد، مشهد، انتشارات کتابخانه رایانه ای.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۰)، جامعه شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران، انتشارات آگاه.
- معتد نژاد، کاظم (۱۳۸۴)، جامعه اطلاعاتی اندیشه های بنیادی دیدگاه های انتقادی چشم اندازهای جهانی، تهران، مرکز پژوهش های ارتباطات.
- معتد نژاد، کاظم (۱۳۸۸)، ارتباطات در جهان معاصر، تحول اندیشه ها، نهادها و عملکردهای ارتباطی، چاپ اول، تهران، نشر شهر.
- ویستر، فرانک (۱۳۸۳)، نظریه های جامعه اطلاعاتی، ترجمه اسماعیل قدیمی، تهران، انتشارات قصیده سرا.